



بیشتر خواسته است این سازمان عقب افتاده باشد. گفتم سازمان برنامه در واقع دبیرخانه نظام حکمرانی است. به ایشان گفتم دولت به شما گزارش می‌دهد و بعد مجمع تشخیص ورود می‌کند و بعد از بررسی خدمت شما ارسال می‌کنند و اگر تأیید کردید آن را ابلاغ کنید. بالاخره طی ۹ ماه این کار انجام شد و سند چشم‌انداز نهایی شد.

« شما هم تاریخ ایران را می‌دانید و هم از نزدیک با کاستی‌های نظام حکمرانی آشنا هستید. بنابراین طبق این داده‌ها و اطلاعاتی که دارید، ایده سند چشم‌انداز ابتدا در شما شکل گرفت یا نه، با همکاران صحبت کردید تا به این ایده برسید؟ ممکن است من ایده داشته باشم که خوب، مهم است. اما مهم‌تر از خود ایده، اجتماعی کردن ایده است. در مرحله بعد مهم‌تر از اجتماعی کردن ایده، منظر کردن آن است، یعنی تبدیل به یک چشم‌انداز یا نظرگاه و در مرحله بعد هم وارد مرحله ویژن یا نمونه‌ها می‌شوید. بنابراین مهم نیست که چه کسی اول این ایده را داده است، مهم این است که آن ایده تا چه اندازه توانسته فرآیند اجتماعی شدن خود را طی کند و به یک باور تبدیل شود. ما در سازمان برنامه در کارگروه و ستادی که داشتیم، یک جمع ۲۰ تا ۳۰ نفره بودیم. ما می‌گفتیم می‌خواهیم از این طریق همه بازیگران قدرت را در برنامه بیاوریم و دخیل کنیم. مهم‌ترین نکته‌ای که مدنظر ما بود، این بود که تمام بازیگران نظام حکمرانی باید در برنامه باشند. در برنامه‌های قبلی که بودجه‌های یک یا چند ساله بود،

وجود دارد، به همگرایی و انسجام تبدیل شود. طبق قوانین موجود، قانون بودجه و برنامه، که نقشه راه یک ساله یا ۵ ساله هستند، وظیفه دولت است این برنامه‌ها را تدوین کند و بعد آنها را به مجلس ارسال کند. ما گفتیم چکار کنیم تا همه قوا را داشته باشیم، به این معنی که در این برنامه‌های ۵ ساله و یک ساله، یعنی برنامه توسعه و قوانین بودجه، همه سربیک سفره باشند و با واگرایی دیروز خداحافظی کنیم. این هم به نوبه خودش یکی از الزامات چشم‌انداز بود. در دهمین روزی که به سازمان برنامه رفته بودم، خدمت رهبر انقلاب رسیدم و در قالب یک پاورپوینت، الزامات سازمان برنامه را خدمت ایشان ارائه کردم. گفتم سازمان برنامه فروریخته، در حالی که سازمان برنامه قلب، مغز و شبکه اعصاب محسوب می‌شود، اما حالا به یک سازمان موافقتنامه و وعده تبدیل شده است. که البته نظام حکمرانی



**به مرحوم هاشمی شاهرودی گفتم این سند چشم‌انداز وظایف زیادی را برای شما در نظر گرفته است. گفتم این سند می‌گوید، مهم‌ترین بخش نظام حکمرانی قوه قضائیه است و برای همین باید قضات قابل دسترس، قاطع، منصف و شفاف باشند**

« مهم‌ترین عامل این وضعیت را نه در نفت و درآمد و پول و مانند اینها، بلکه در همان همگرایی نظام حکمرانی می‌بینید. مهم‌ترین عامل عقب افتادگی به چگونگی کیفیت نظام حکمرانی ما برمی‌گردد. وقتی می‌گوییم کیفیت نظام حکمرانی، منظور این نیست که رئیس‌جمهوری چه کسی باشد. اصلاً به خط و خطوط سیاسی کار نداریم. منظور این است که نظام حکمرانی نه برای خودش پلتفرم یا نقشه راه قائل است که جلوی خودش قرار دهد، نه نظم و انضباطی برای آن پلتفرم می‌گذارد. می‌شود بدون این دو، به رشد و توسعه رسید؟ جواب خیر است. آیا در دنیا کشوری را سراغ داریم که دارای پلتفرم و نظم و انضباط باشد، اما عقب افتاده باشد، خیر، نداریم. آیا کشوری را سراغ داریم که بدون این دو عامل پیشرفت کرده باشد، خیر، نداریم. این هم یکی از دلایل تنظیم سند چشم‌انداز بود. ما خواستیم بگوییم این نظام حکمرانی دارای ثبات و پایداری است. نظامی که مدعی ثبات و پایداری است، چشم‌انداز دارد. دولتی که از انسجام برخوردار است و بین قوای آن انتظام وجود دارد و پراکندگی ندارد برای نوشتن چشم‌انداز تلاش می‌کند. بنابراین یکی از رویکردها برای نوشتن چشم‌انداز همین بود.

« تکلیف قانونی برای نوشتن سند چشم‌انداز هم داشتید؟  
ما تکلیف قانونی برای نوشتن سند چشم‌انداز نداشتیم. مسأله ما این بود و می‌گفتیم چکار کنیم تا تجارب قبل و بعد انقلاب که در آن واگرایی و پراکندگی